

سوپر استار

زندگی و علایق آل پاچینو

من ستاره نیستم

۱- یکی از بهترین بازیگران تاریخ سینما بدون شک کسی نیست جزل آل پاچینوی اسطوره که در کارنامه‌اش حضور در فیلم‌های بی‌شماری به چشم می‌خورد. متولد ۲۵ آوریل ۱۹۴۰ که از سال ۱۹۶۹ وارد دنیای بازیگری شده علاقه ویژه‌ای به رنگ سیاه دارد. او یکی از طرفداران متعصب اپرا وینفری مجری محبوب آمریکایی هم محسوب می‌شود و هر وقت بتواند میهمان برنامه او می‌شود. یکی دیگر از افراد محبوب او ویلیام شکسپیر است.

۲- او و رفیق معروفش یعنی رابرت دنیرو از شرکت ساعت‌سازی توتیما به دادگاه شکایت کردند. آنها مدعی بودند این شرکت بدون اجازه آنها از تصویرشان در فیلم قتل قانونی برای تبلیغ ساعت‌هایش استفاده کرده‌است.

۳- آل پاچینو که در سال ۲۰۰۳ با کالین فارل در فیلم نیروی تازه همکار شده بود انقدر رفاقت صمیمانه‌ای با او پیدا کرد که در مصاحبه‌ای از فارل به عنوان مستعدترین بازیگر نسل خودش یاد کرد. ۴- او که در دهه ۸۰ میلادی روزی چهار بسته سیگار می کشید در سال ۱۹۹۴ و برای محافظت از صدایش سیگار را ترک کرد. البته آل پاچینو در زمان ترک سیگار روزی دو بسته بیشتر نمی کشید. یکی دیگر از نکته‌های جالب در مورد این اسطوره سینما اخراج او از مدرسه در سن ۱۷ سالگی است.

۵- او ۲۰ سال بعد از اولین نامزدی‌اش برای کسب جایزه اسکار توانست برنده این مجسمه باارزش شود. او یکی از سه بازیگر مردی است که توانسته‌اند در یک سال هم در بخش بهترین بازیگر نقش اول هم در رشته بهترین بازیگر مکمل نامزد اسکار شوند. بری فیتز جرالد و جیمی فاکس دو بازیگر دیگری بودند که به چنین موفقیتی رسیده‌اند. هشت بازیگر زن هم توانسته‌اند چنین افتخاری کسب کنند.

۶- آل پاچینو در سال ۲۰۰۷ نشان یک عمر فعالیت هنری را از موسسه فیلم آمریکا دریافت کرد. او در طول دوران کاراش پیشنهاد حضور در فیلم‌هایی را رد کرده که بعضی از آنها به موفقیت‌های زیادی رسیدند. فیلم‌هایی نظیر جنگ ستارگان، متولد چهارم جولای، زن زیبا و چند پروژه سینمایی دیگر. یکی دیگر از فیلم‌هایی که آل پاچینو حاضر نشد در آن بازی کند رفقای خوب ساخته مارتین اسکور سیزی بود که رابرت دنیرو جای آل را در آن فیلم گرفت.

۸- مجله پرمریزای او در نقش مایکل کارلثونه در قسمت دوم فیلم پدرخوانده را به عنوان بیستمین بازی در خسان تاریخ سینما انتخاب کرد. مجله اینتر تیمنت ویکلی هم آل پاچینو را به عنوان چهل و یکمین بازیگر ستاره تاریخ سینما برگزیده‌است.



۹- آل پاچینو در سال ۱۹۷۳ و زمانی که می‌خواست در فیلم سرپیکو بازی کند اینچنان در نقش فرو رفته بود که روزی یک راننده کمیون را به خاطر ایجاد آلودگی تهدید به دستگیری کرد.

۱۰- او برای بازی در قسمت سوم پدرخوانده درخواست دستمزد هفت میلیون دلاری کرد. موضوعی که باعث مصیبتان شدید فرانسیس فورد کاپولا کارگردان فیلم شد به طوری که او آل را تهدید کرد که فیلمنامه را عوض می‌کند و فیلمش را با مراسم تحریم مایکل کارلثونه شروع خواهد کرد. پس از این جریان آل پاچینو به همکار قدیمی‌اش دو میلیون دلار تخفیف داد. البته این‌ را هم باید گفت که کاپولا پیش از این هوای آل پاچینو را داشته. داستان از این قرار است که مسوولان کمپانی فیلمسازی پارامونت بارها تلاش کردند تا به جای آل از رابرت دفورد یا رابان اونیل در پدرخوانده استفاده کنند اما فورد هیچ‌وقت زیر بار این موضوع نرفت.

۱۱- آل پاچینو یکی از معدود ستاره‌های هالیوود است که تا امروز حتی یک بار هم ازدواج نکرده. او جایی دیگر عنوان کرده دوست دارد تنها مردوری زمین باشد که ۲۵۰ سال عمر می‌کند.

۱۲- لری کینگ مجری معروف آمریکایی که تا مدت‌ها قیل در شبکه سی‌ان‌ان فعالیت می‌کرد از مصاحبه‌اش با آل پاچینو در سال ۱۹۹۶ به عنوان یکی از بهترین مصاحبه‌های دوران کاریش یاد کرده‌است.

۱۳- آل پاچینو که در ۲۲ سالگی مادرش را از دست داد عقیده دارد که تاثیر زیادی از مادر مرحومش گرفته چرا که او عاشق خواندن و دیدن فیلم‌های سینمایی بوده و در راه بازیگری همیشه پسرش را تشویق می‌کرده‌است.

۱۴- یکی از آرزوهای او بازی در فیلم هملت بود که البته هیچ‌کسی به او پیشنهاد بازی در این فیلم نداد.

۱۵- او ققیده را در تئسخر چشم مخاطب کار راحتی است اما اینکه بتوان در دل کسی جای گرفت کار سختی است. ضمناً آل پاچینو عقیده دارد که تنها یک بازیگر است و نباید به او لقب ستاره داد چرا که ستاره‌ها افرادی هستند که در خانه‌های بسیار مجلل هالیوود زندگی می‌کنند.



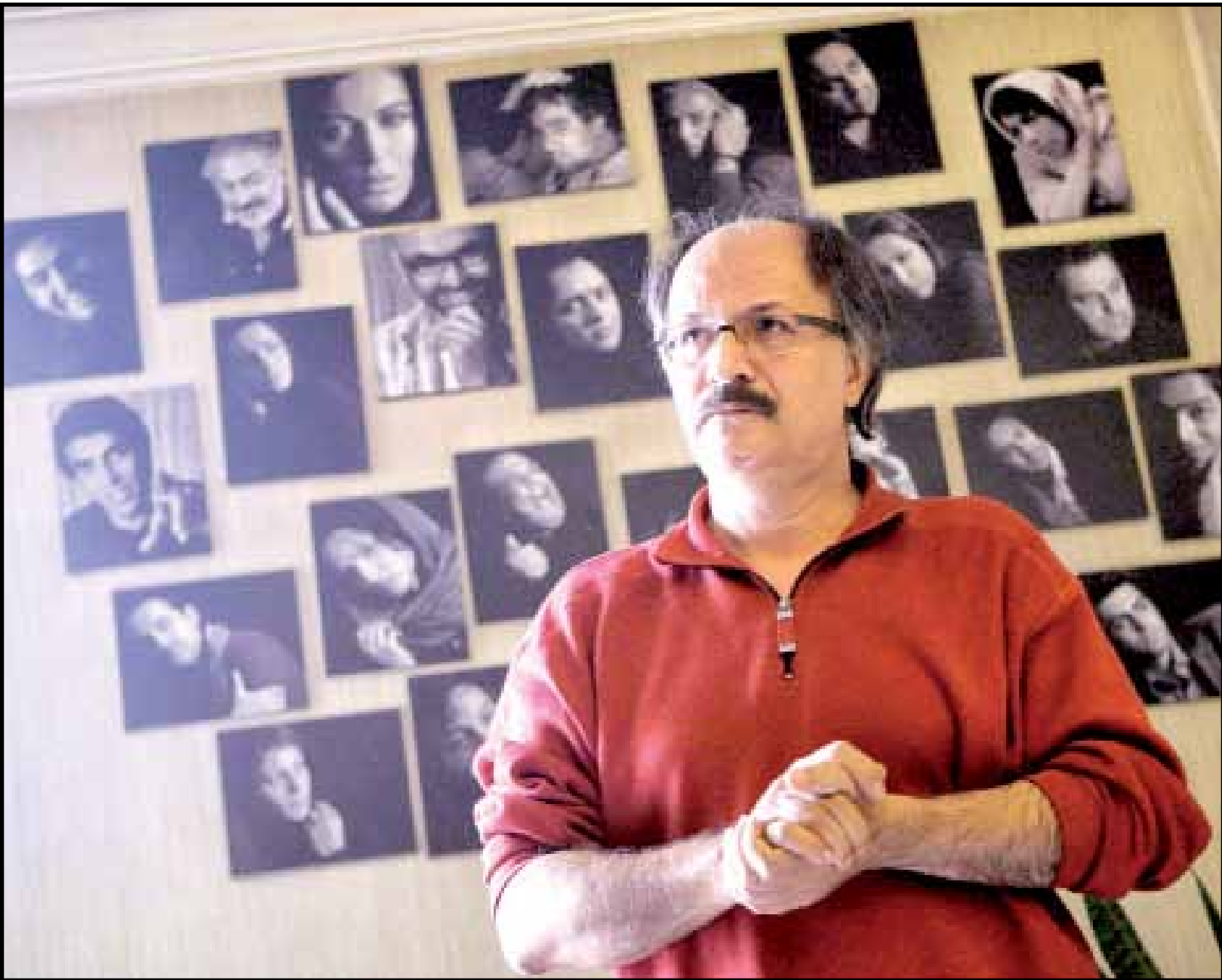
هر سال تعداد زیادی جوان مشتاق و علاقه‌مند به بازیگری در آموزشگاه‌های بازیگری ثبت‌نام می‌کنند اما چهره‌های سینما و تلویزیون تکراری هستند و کارگردان‌ها از نبود بازیگرهای جوان شکایت دارند، پس این جوان‌ها کجا هستند؟ چرا آنها را در فیلم‌ها نمی‌بینیم؟

جواب این سوال دو بخش دارد، یک بخش آن مربوط به ما که آموزش می‌دهیم، می‌شود و یک بخش آن مربوط به شرایط می‌شود. کسانی که اینجا می‌آیند و در دوره‌های آموزشی بازیگری شرکت می‌کنند حتماً قرار نیست همه بازیگر شوند. این مساله در تمام دنیا به این شکل است، بازیگری کار عملی است ونمی‌شود بایدبدین یک نفر گفت که تو بازیگری می‌شوی یا نمی‌شوی، آن هنر جو باید در دوره آموزشی شرکت کند، تمرین کند، با ابزار کار بازیگری یعنی صدا، بیان، تمرکز، خلاقیت، تخیل و... آشنا شود و آنها را در حد حرفه‌ای بشناسد و بیاموزد و بعد از آن به خودش ثابت شود که آیا بازیگر هست یا نیست، اگر بازیگر نباشد واقعا با هیچ کاری نمی‌توان او را بازیگر کرد. به اصطلاح از سنگ نمی‌شود بازیگر ساخت و اگر هم دارای استعدادها و قابلیت‌های لازم باشد طبیعتاً با گذراندن دوره‌های لازم به یک معیاری از بازیگری دست پیدا می‌کند و ادامه آن بستگی به آن دارد که شانس لازم را بیاورد که برای یک فیلم یا سریال انتخاب شود و به نقشی که مورد نظر کارگردان هست بخورد، خیلی‌ها هستند که بلافاصله بعد از اتمام دوره‌شان برای یک نقشی انتخاب می‌شوند. در همین آموزشگاه‌افادی مثل ترانه علیدوستی، حبیب رضایی، بیتا بادران و... همینجوری به دنیای سینما معرفی شدند.

اینها قابلیت‌های لازم را داشتند و درخشیدند اما در مورد بعضی‌ها این اتفاق نمی‌افتد چون به آن حد از معیارهای حرفه‌ای بازیگری دست پیدا نکردند، قانون و فرمول نوشته شده‌ای برای بازیگر شدن وجود ندارد که بگویم اگر فلانی مثلاً دو سال کار کند به نتیجه می‌رسد و دیگری ۱۰ سال، ممکن است یک نفر دوره را بگذراند خوب هم همه چیز را یاد بگیرد اما بعد از ۱۰ سال به نتیجه برسد و موقعیت پیدا کند که مازا از این نمونه‌ها هم داشتیم. فعلاً ر‌ش عاصفی که الان در فیلم روز رستاخیز به کارگردانی احمد رضا درویش نقش اول را بازی می‌کند حدود ۸-۹ سال پیش اینجا دوره‌اش تمام شد اما به تازگی برای بازی در یک فیلم خوب انتخاب شد.

همه‌جای دنیا جوان‌ها مشتاق بازیگری هستند اما یکی از دلایلی که در ایران این قضیه نمود بیشتری پیدا کرده، به این جهت است که ما ملت جوانی هستیم، ملتی که حدود ۶۰درصد از جمعیتش جوان زیر ۲۰ سال هستند. طبیعی است که این مقوله بیشتر خودش را نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد که تمام جوان‌های این مملکت عاشق بازیگری هستند ولی عشق بازیگری به تنهایی کفایت نمی‌کند، من در طول این ۱۷-۱۸ سالی که آموزشگاه دارم زیاد برخورد کرده‌ام با کسانی که با شور و اشتیاق فراوان در ارتباط با بازیگری صحبت می‌کنند اما به محض اینکه احساس می‌کند مقوله یک مقوله جدی و سخت‌است و باید تن به کار بدهد و صاحب یک صدا، بیان، بدن و حرکت مناسب و درست شود و یک دره نگاه حرفه‌ای به این ماجرا پیدا کند نه یک نگاه خیال‌پردازانه جامی‌زند و دوره را سرسری می‌گذرانند و خب به صورت طبیعی آن آدم نتیجه‌ای نمی‌گیرد اما هستند کسانی

چهره‌ها



عکس: میلاد پیاپی/شرق

جوان های فست فودی، شما می توانید در سال ۹۰ تبدیل به یک ستاره شوید

لطفا یک ستاره با ظرفیت شوید

میترا سپهری

امین تاریخ یکی از همان ستاره‌های قدیم است که ماندگار شد. او مثل یک ستاره آمد و مثل یک ستاره ماند و ادامه داد. حال که در تکاپوی شروع سال جدید هستیم به سراغ او رفتیم تا در مورد دغدغه اصلی ذهن بسیاری از جوانان علاقه‌مند به بازیگری و سینما صحبت کنیم. او اولین فردی بود که در ایران اقدام به تاسیس آموزشگاه بازیگری کرد، آموزشگاهی که تا به حال چندین و چند بازیگر را به دنیای سینمای ایران معرفی کرده‌است.

می‌کنند و سرمایه‌گذاری می‌کنند و حتی ممکن است در یک مقطعی به شهرت هم دست پیدا کنند اما هیچ‌وقت آل پاچینو نمی‌شوند. آل پاچینو الان حدود ۷۰ سال سن دارد و ستاره است و مطمئناً در سن ۸۰ سالگی هم همینطور است و حتماً برایش نقش‌هایی را می‌نویسند که بازی کند. او ستاره بوده، هست و خواهد بود. ما راجع به آن شان از بازیگری صحبت می‌کنیم.

به صراحت می‌توانیم بگوییم در بین بازیگرهای جوان سینما اگر بتوانیم غریال

کنم دو نفر شاخص هستند که بازیگری را درست شروع کردند و با حساسیت و دغدغه ماندند و همین وسواس‌ها و حساسیت‌هایشان باعث ماندگاریشان شده، شهاب حسینی و حامد پهداد، این دو تا بازیگرهای ماندگاری هستند البته نه اینکه بقیه به درد بخور نیستند اما واقعا در حد و حدودی که می‌شود به ماندگار بودن این دو نفر ایمان داشت به بقیه نمی‌توان.

آیا شانس موفق شدن در بازیگری در زمان حال نسبت به گذشته کم شده‌است؟ به هر حال در گذشته

رقابت و راه‌های ورود به دنیای سینما کمتر بود. نه، الان هم شانس موفقیت زیاد است. من همین روزها به بچه‌های آموزشگاه می‌گویم که یک نقطه طلایی با یک دوره طلایی هست در حال حاضر که سینما و تلویزیون نیازمند بازیگر است و اگر واقعا به خودتان سخت بگیرید و صبر داشته باشید (چون هر موقعیتی که زود به دست بیاید زود هم از دست می‌رود) حتماً موفق می‌شوید، اگر همیشه دغدغه آموزش را داشته باشید مثل یک ستاره وارد می‌شوند و مثل یک ستاره ماندگار می‌شوند، الان با هر کارگردانی که می‌خواهد فیلم بسازد صحبت کنید اولین مشکلی که باید بازیگر است، بنابراین الان بهترین شرایط است برای کسانی که مانام آنها را می‌گذاریم مشتاق بازیگری و یکی از دلایلی که بعضی‌ها موفق می‌شوند جدیتی است که پیشه کردند.

کارگردان‌ها در فیلم‌هایشان از بازیگرهای مسن برای نقش‌های جوان استفاده می‌کنند و گرمورها مجبور هستند پوست آنها را بکشند، موهایشان را رنگ کنند و حتی مو بگذارند. اینها به این معنی است که ما بازیگر جوان حرفه‌ای و قابل کم داریم. در چنین شرایطی اگر جوان نسل فست‌فودی الان یک دره به خودش سخت بگیرد حتماً موفق می‌شود. اشکال این نسل این است که اگر غذا می‌خواهد و گرسنه است حاضر نیست بره قرمه‌سبزی در دست کند و به محض اینکه گرسنه شود

■ در آموزشگاه، شما به هنرجویان احترام به پیشکسوت را یاد می‌دهید؟ از روز اولی که بچه‌ها وارد آموزشگاه می‌شوند ما یک نکته را به آنها گوشزد می‌کنیم که شما اینجا نمی‌آید بازیگری را به عنوان یک مقوله تکنیکی و صرفاً فنی یاد بگیرید شما بازیگری حرفه‌ای را اینجا تجربه می‌کنید با تمام حواسی، یعنی مثلاً ارتباط بازیگر، فیلمبردار، صدابردار و... را به آنها می‌آموزیم. به‌طور مثال مازیسار میری سسر کلاس‌هایش آقای ایرج شهبازی صدابردار را آورد تا او ارتباط بازیگر با صدابردار را احلاچی کند، دیگر چه برسد به احترام به پیشکسوت، این چیزها باید و نباید ندارد، نمی‌شود به یک جوان گفت که تو باید به پیشکسوت احترام بگذاری. باید یک شرایطی به‌وجود آورد که آن جوان به این باور برسد که باید به گذشتگان خودش احترام بگذارد چون قرار است خودش احترام‌پذیر باشد.

ولی جوان‌های سینمای ما رفتارشان شباهتی به رفتار بازیگرهایی که الان مسن تر هستند، ندارد. عیب‌از کجاست؟

بله، من هم گلایه‌های زیادی از خبرنگارها و مردم شنیده‌ام که می‌گویند جوان‌های بازیگر رفتارشان مناسب نیست، این واقعا مربوط به ظرفیت شخصی افراد می‌شود. من همیشه به هنر جوها می‌گویم که دعا کنید به اندازه جرات و محبوبیت‌تان خدا ظرفیت هم بتهتان بدهد، چون اگر ظرفیت لازم را نداشته باشند واقعا امکان ندارد که ماندگار باشند، ممکن است که ۱۵-۱۰ سال هم بمانند و کار کنند اما سهمی در تاریخ بازیگری سینما نخواهند داشت.

خانواده سینما باید هوای همدیگر را داشته باشند، در برنامه مفت فریدون جبرانی، شما واکنشی به پخش فیلم فریماه فرجامی داشتید

آن واکنش همان لحظه و ناخودآگاه بود؟

خام رخشان بنی اعتماد، در جایی نوشتند که: می‌توانستی با واگویی‌های شخصی بر گزار کنی. بله من می‌توانستم بگویم، فریماه فرجامی اشتباه می‌کند. من این مشکلات را ندارم و نداشته‌ام و... اما من آنجا احساس کردم که به یک صف بی‌احترامی می‌شود نه یک شخص، آن فیلم نه به شخص من توهین کرده نه به فریماه فرجامی، من فکر کردم به کل مقوله بازیگری دارد توهین می‌شود، اگر یک‌دره بدبین باشیم، می‌توانیم بگوییم حساب شده به مجموعه بازیگران دارند حمله می‌کنند ولی خب من آنقدر بدبینی ندارم، من فکر می‌کنم اشتباه شده یا مثلاً آنها آن وسواس لازم را در برنامه‌سازی ندارند بد بگویند شاید این فیلم تاثیر به بگذار اما چون یک هفته قبل در همین برنامه از ابوالفضل

یک همبرگر می‌خرد و سروقه قضیه را هم می‌آورد. این جوانی که همه چیز را اینطوری حل می‌کنند فرهنگش آمادگی لازم برای بازیگر موفق شدن ندارد. من به این نسل می‌گویم نسل فست فودی یعنی دلشان می‌خواهد حاضر و آماده بدون زحمت، زود، تند و سریع به دست بیاورند، که نمی‌شود. البته شده که بعضی‌ها به دست آورده‌اند یا به کمک پول یا به ضرب پارتی و... اما زود هم از دستش داده‌اند، متأسفانه بد است که آدم نام اینگونه افراد را ذکر کند ولی خیلی‌ها بوده‌اند.

عزت‌الله انتظامی در سن ۸۰ و چند سالگی هنوز ستاره است. چرا؟ برای اینکه با زحمت وارد شده و به قدر کفایت تجربه کرده‌اند.

چهارده سال ۹۰ چند سال از بازیگری شما می‌گذرد؟

اگر که شروع کار حرفه‌ای خودم را سال ۵۱-۵۰ بکیرم که به تهران آمدم و با تئاتر شروع کردم و دانشکده رفتم و همزمان در کنار تحصیل در کارهای زیادی بازی کردم الان می‌شود حدود ۳۹-۳۸ سال.

به نظر خودتان به انتخابی که باید می‌رسیدید، رسیدهاید؟

هیچ‌وقت هیچ بازیگری را پیدا نمی‌کنید که بگوید من کاملاً از گذشته خودم راضی هستم؟ به همه آن چیزهایی که می‌خواستم دست پیدا کردم، خب اگر کسی به چنین موقعیتی رسیده باشد دیگر هیچ آرزویی ندارد و از زندگیش لذت نمی‌برد و دلیلی برای زنده بودن ندارد اما من گلایه‌ای ندارم و به نظرم به قدر تلاشی که کردم و قابلیت‌هایی که داشتم عرصه بازیگری امکانات و امتیازهایی را نصیب من کرده‌است و از همان اول من یاد گرفتم، این سینماست که بازیگرهایش را انتخاب می‌کند، بازیگر نیست که سینما را انتخاب می‌کند و با زور و فشار کسی بازیگر نمی‌شود. من براساس قابلیت‌های اندکی که داشتم به یکسری موفقیت‌های نسبی دست پیدا کرده‌ام.

آیا تا به حال به این فکر نکرده‌اید که می‌توانستید خیلی کارها را انجام بدهید ولی نداده‌اید یا برعکس؟ این فکر پیوسته با هر بازیگری هست، هر بازیگری فکر می‌کند ای کاش فلان فیلم را بازی می‌کردم اما در مجموع اگر قرار باشد کارنامه کاری‌ام را زیر و رو کنم کمتر در آن اشتباه می‌بینم، نمی‌گویم کاملاً بی اشکال است، اشکال دارد چون فیلم مثل یک هندوانه در بسته است، گاهی با خواندن یک فیلمنامه فکر می‌کنی فیلم خوبی می‌شود ولی در نهایت این اتفاق نمی‌افتد یا به عکس فیلمنامه ساده‌است اما با یک کارگردانی خوب یک فیلم خوب از آب می‌آید.

آیا شانس خوبی دارید یا هیچ‌وقت نتوانستید در

کارهایی مثل خواندن و دوبله فعالیت کنید؟

یکی از چیزهایی که از همان آغاز هم تصمیم گرفتم و هم یاد گرفتم این بود که از این شاخه به آن شاخه نپریم، حالا یک دره کارگردانی کنم، یک دره تدوین کنم، برم سراغ دوبله، عکاسی و... چون معمولاً وقتی آدم چندین رشته را در کنار هم دنبال کند نهایت اتفاق آن هم خوشبینانه این است که در همه آن رشته‌ها یک فرد متوسط شوی و بهتر است یک هدف مشخص داشته باشی و در آن هدف مشخص لاقال شاخص باشی. از آغاز من تنها هدفم این‌س بود که تنها به دنبال بازیگری باشم، حتی در زمینه‌تعلیم هم آموزشگاه من فقط مخصوص آموزش بازیگری آن هم بازیگری سینماست.

حاشیه

آن برنامه جنجالی

پیشکسوت را یاد می‌دهید؟

از روز اولی که بچه‌ها وارد آموزشگاه می‌شوند ما یک نکته را به آنها گوشزد می‌کنیم که شما اینجا نمی‌آید بازیگری را به عنوان یک مقوله تکنیکی و صرفاً فنی یاد بگیرید شما بازیگری حرفه‌ای را اینجا تجربه می‌کنید با تمام حواسی، یعنی مثلاً ارتباط بازیگر، فیلمبردار، صدابردار و... را به آنها می‌آموزیم. به‌طور مثال مازیسار میری سسر کلاس‌هایش آقای ایرج شهبازی صدابردار را آورد تا او ارتباط بازیگر با صدابردار را احلاچی کند، دیگر چه برسد به احترام به پیشکسوت، این چیزها باید و نباید ندارد، نمی‌شود به یک جوان گفت که تو باید به پیشکسوت احترام بگذاری. باید یک شرایطی به‌وجود آورد که آن جوان به این باور برسد که باید به گذشتگان خودش احترام بگذارد چون قرار است خودش احترام‌پذیر باشد.

ولی جوان‌های سینمای ما رفتارشان شباهتی به رفتار بازیگرهایی که الان مسن تر هستند، ندارد. عیب‌از کجاست؟

بله، من هم گلایه‌های زیادی از خبرنگارها و مردم شنیده‌ام که می‌گویند جوان‌های بازیگر رفتارشان مناسب نیست، این واقعا مربوط به ظرفیت شخصی افراد می‌شود. من همیشه به هنر جوها می‌گویم که دعا کنید به اندازه جرات و محبوبیت‌تان خدا ظرفیت هم بتهتان بدهد، چون اگر ظرفیت لازم را نداشته باشند واقعا امکان ندارد که ماندگار باشند، ممکن است که ۱۵-۱۰ سال هم بمانند و کار کنند اما سهمی در تاریخ بازیگری سینما نخواهند داشت.

خانواده سینما باید هوای همدیگر را داشته باشند، در برنامه مفت فریدون جبرانی، شما واکنشی به پخش فیلم فریماه فرجامی داشتید

آن واکنش همان لحظه و ناخودآگاه بود؟

خام رخشان بنی اعتماد، در جایی نوشتند که:

می‌توانستی با واگویی‌های شخصی بر گزار کنی. بله من می‌توانستم بگویم، فریماه فرجامی اشتباه می‌کند. من این مشکلات را ندارم و نداشته‌ام و... اما من آنجا احساس کردم که به یک صف بی‌احترامی می‌شود نه یک شخص، آن فیلم نه به شخص من توهین کرده نه به فریماه فرجامی، من فکر کردم به کل مقوله بازیگری دارد توهین می‌شود، اگر یک‌دره بدبین باشیم، می‌توانیم بگوییم حساب شده به مجموعه بازیگران دارند حمله می‌کنند ولی خب من آنقدر بدبینی ندارم، من فکر می‌کنم اشتباه شده یا مثلاً آنها آن وسواس لازم را در برنامه‌سازی ندارند بد بگویند شاید این فیلم تاثیر به بگذار اما چون یک هفته قبل در همین برنامه از ابوالفضل



پورعرب به اصطلاح خواستند با همان شکلی که از فریماه فرجامی یاد کردند یادی بکنند و هفته بعد هم مصاحبه‌ای از مرحوم خسرو شکیبایی پخش کردند که آن هم بی‌شایعت به اینها نبود من فکر کردم این کار عمدی وجود دارد و در آن لحظه این را حس کردم و عکس‌العمل نشان دادم. به‌نظرم رسید به این منف دارد توهین می‌شود که نهایتاً به سینما آسیب می‌رسد.

بله، ما واقعا گمگشته داریم، گمگشته‌مان هم، احترام احترام است، راست‌کرداری است. من دیگر کلمه صداقت را به کار نمی‌برم از بس که نخم‌ها شده‌است به جای صداقت ترجیح می‌دهم بگویم راست‌کرداری، واقعا راست‌کرداری را گم کرده‌ام، متأسفانه سر تا پای و خودما پر شده‌است از ریا و دروغ، امیدوارم که از این ورطه نجات پیدا کنیم.

ما بازیگرهایی را داریم که به دلایلی دیگر در جمع خانواده سینما نیستند، بیشتر این افراد بیمار هستند آیا شمایه آنها سر می‌زند؟

من موظف هستم که این کار را انجام دهم و به سراغ این‌ها بروم و این کار را می‌کنم اما وضعیت کسی مثل فریماه فرجامی متفاوت است، فریماه یک مقداری دچار کم‌حافظگی شده شده چسب بسیاری از حرف‌هایی که می‌زد ناشی از همین بیماری بود. اصلاً شاید باورش این بود که یک نشست معمولی است و قرار نیست از یک رسانه عمومی مثل تلویزیون پخش شود و یکی از دلایلی که من به آن برنامه شوریدم همین بود، آن نشست خیلی خصوصی بود و زمانی که چنین کاری انجام می‌شود طبیعی است که به آن آدم برخورد و دل شکسته شود.

بعد از آن جریان از فریماه فرجامی خبر دارید؟ بعد از آن شب من از طریق فردی که از او نگهداری می‌کند حالش را پرسیدم او گفت که حالش خوب است، ولی خب خودش خیلی راضی نیست تا این حرف‌ها را زده‌است.

و اما سوال آخر، فکر می‌کنید با توجه به اتفاق‌های سینمایی سال ۸۹، ۹۰ سینمای ما چگونه خواهد بود؟

امسال در جشنواره تعداد فیلم‌های خوب زیاد بود هر چند به نسبت فیلم‌های بد و خیلی بد هم زیاد بود و اگر که به همین روال ادامه پیدا کند، می‌شود امیدوار بود که سال آینده تعداد فیلم‌های خوبمان بیشتر هم بشود. البته چون مادر همه کارهایمان افرات و تقریباً داریم بیشتر امیدوارم که تعداد فیلم‌های خیلی بدمان کم شود.